

**اشاره:** نوسازی و مدرنیته تغییرات زیادی در فرهنگ و رفتارهای انسانی به وجود آورده است که از جمله می‌توان به تغییرات الگوی تشکیل خانواده و ازدواج اشاره کرد. ازدواج فرآیندی است که هم از بعد فردی و هم اجتماعی دارای آثار و اهمیت بسیاری است و به نوبه خود بر فرآیندهای مختلفی همچون باروری، مرگ و میر و مهاجرت تأثیرگذار است.

«تورن» خانواده را به مثابه «کوره تغییر» می‌داند؛ به‌طوری که بسیاری از تحولات نظام اجتماعی بزرگ‌تر ریشه در آن دارد. از نظر او تغییرات خانواده با یکی از مهم‌ترین مولفه‌های هر نظام اجتماعی یعنی یکپارچگی اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد.<sup>(۱)</sup> عکس این قضیه نیز حاکم است. به این معنا که در صورت بروز هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، رخ خواهد داد. افزایش سن ازدواج و بروز پدیده تجرد قطعی از جمله این تحولات است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه به وقوع پیوسته‌اند. «مارتین سگالن» در کتاب «جامعه‌شناسی تاریخی خانواده» می‌نویسد: «در غرب از حدود قرون هفدهم و هجدهم به بعد ماهیت ازدواج دست‌خوش دگرگونی شد. اینک ازدواج کمتر اقدامی مقدس و بیشتر یک قرارداد به نظر می‌رسید. این تحول تا حدودی از اصلاح‌طلبی دینی ناشی می‌شد که تصور تقدس ازدواج را انکار می‌کرد».<sup>(۲)</sup> به این ترتیب با آغاز اصلاحات دینی، مفهوم ازدواج به‌تدریج تغییر یافت.

بعد از این دوره که عده‌ای آن را «مدرنیته دوم» نامیده‌اند، ازدواج تبدیل به وصلت بین ۲ نفر – و نه ۲ خانواده – شد که هدف و کارکرد اصلی آن ارضای عاطفی و جنسی زوجین بود. به این ترتیب حمایت‌های خویشاوندی و سنتی کمرنگ شد و تصمیم و ترجیح ۲ فرد، محوریت یافت. خانواده‌های گسترده جای خود را به خانواده‌های هسته‌ای دادند و به‌تدریج الگوهای جدیدی از خانواده‌های مدرن همچون همیالینی، خانواده‌های تک‌والد، همجنسگرا… و در کنار الگوی سنتی خانواده شکل گرفت.

■ **تأخیر سن ازدواج، معضلی جهانی است**

جامع انسانی طی ۲ قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در سن ازدواج بوده‌اند که این تغییرات نخست در کشورهای فراصنعتی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد. به‌طوری که نسبت افراد ازدواج‌کرده در ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۹۶۰، ۷۸ درصد بود به ۵۲ درصد در سال ۲۰۰۰ و کمتر از ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافت.<sup>(۳)</sup>

خانواده ایرانی، همانند سایر خانواده‌ها در سراسر جهان، در مواجهه با مدرنیته به نوبه خود تغییراتی را متحمل شده است. افزایش سن و کاهش نرخ ازدواج از جمله تغییراتی است که در الگوی ازدواج جوانان ایرانی به وجود آمده است. براساس برخی آمارهای موجود، میانگین سن ازدواج در میان پسران ۲۶/۷ و در دختران ۲۲/۴ سال است. همچنین طبق نتایج سرشماری ۱۳۹۰، جمعیت دختران مجرد ۱۵ تا ۲۹ سال، ۵ میلیون و ۶۷۰ هزار نفر است. تعداد جمعیت دختران ۲۹ تا ۴۹ سال نیز ۹۸۰ هزار نفر است. ۳۲۰ هزار نفر از پسران (بالای ۳۵ سال) از سن ازدواج عبور کرده‌اند و خطر تجرد قطعی در کمین آنهاست.

■ **افزایش جهانی سن ازدواج حاصل تغییرات ساختاری و ارزشی است**

در بین آرای اندیشمندان که تغییرات خانواده را بررسی کرده‌اند ۲ رویکرد عمده وجود دارد: رویکرد ساختاری و ایده‌ای. ساختاری‌ها معتقدند نوسازی و تغییرات ساختاری ناشی از آن از جمله صنعتی شدن، مهاجرت و گسترش شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات و تحولات جمعیتی و… موجب تحولات حوزه خانواده شده است. از جمله افزایش سطح تحصیلات و شهرنشینی که باعث گسترش زندگی در خوابگاه‌ها و خانه‌های مجردی و بروز پدیده تجرد قطعی در بین زنان شده است. اندیشمندان قائل به رویکرد ایده‌ای، معتقدند عوامل ارزشی و فرهنگی همچون سکولاریزم، اندیشه‌های دموکراسی و برابری‌گرایانه، گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی سبب تحولات اخیر در خانواده شده است. مدرنیته به عنوان یک نظام، مجموعه‌ای از ارزش‌های فردگرایانه و سبک زندگی‌های متنوع و متفاوت را پیش روی افراد قرار داده است. در اندیشه مدرن لذت و ذائقه فردی، به‌عنوان یک اصل بر تمام تصمیمات انسانی غالب می‌شود. ازدواج نیز به‌عنوان یک قرارداد دوطرفه بر مبنای نفع و لذت و ترجیحات فردی تلقی می‌شود. به‌تبع آن عدم تمایل به فرزندآوری، سقط جنین، ازدواج سفید، تولد بچه‌های نامشروع و اولویت یافتن ملاک‌های مادی در امر ازدواج، اتفاق می‌افتد.

بدین ترتیب با رهایی از سنت‌ها و مسؤولیت‌های مربوط به ازدواج سنتی، دسترسی بیشتر به منابع آموزشی و مالی و کمرنگ شدن مرزهای جنسیتی، تمایل افراد برای ازدواج و تشکیل خانواده کاهش پیدا می‌کند.

■ **دختران ایرانی در برزخ سنت و مدرنیته**

«حبیب پورگتایی» و «غفاری» در پژوهشی در رابطه با بررسی علل و عوامل افزایش سن ازدواج دختران ایرانی، علت اصلی را تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی عنوان می‌کنند. از نظر آنها تأثیر مدرنیته بر افزایش سن دختران، در ۳ سطح کلان، میانه و فردی منشأ اثر است.<sup>(۴)</sup> در سطح کلان هرچه جامعه از حالت سنتی خارج شده و به موقعیت مدرن نزدیک‌تر شود، میزان افزایش سن ازدواج در آن بیشتر خواهد

**نگاهی به تأثیر مدرنیته و نوسازی بر افزایش سن ازدواج دختران ایرانی**

# تغییر ذائقه‌ها؛ تأخیر ازدواج

■ **فاطمه حمزه‌لوی\***

نوسازی از طریق گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و نقش‌های مدرن و شهرنشینی باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. ضمن اینکه نوسازی با ایجاد انتظاراتی برای استاندارد زندگی بعد از ازدواج، باعث تأخیر ازدواج می‌شود. در سطح میانی، تأثیرات ناشی از تجربه مدرنیته ایرانی در مناطق گوناگون متفاوت است. به هر نسبت که نفوذ مدرنیته در منطقه‌ای بیشتر باشد تأخیر در ازدواج بیشتر اتفاق می‌افتد. در حال حاضر تأخیر در ازدواج در کلانشهرهای تهران، شیراز و اصفهان بیش از سایر شهرهاست.

از دیگر سو آشننگی‌های اقتصادی و اجتماعی در بدنه جامعه منجر به کاهش قطعیت‌های اقتصادی، نامیدی اجتماعی، تغییر معیارها و انتظارات شده است. به‌رغم بی‌ثباتی اقتصادی، انتظارات فرهنگی و سنتی در رابطه با هزینه‌ها و استانداردهای ازدواج و زندگی مشترک تغییری نکرده و این موضوع مزید خیانت‌های زناشویی نیز به نوبه خود بر نگرش دختران نسبت به ازدواج تأثیرگذار است و موجب می‌شود در امر ازدواج احتیاط بیشتری به خرج بدهند.

در سطح فردی نیز شاهد تحولاتی در خود دختران هستیم. برخورداری از تحصیلات، استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی انتخاب و عمل و فاصله‌گیری از نظرات والدین و اطرافیان نگرش دختران را دچار تغییر و تحول کرده است.

بنابراین طبیعی است انتظارات آنان از ازدواج تغییر کرده و به تعریف متفاوتی از ازدواج دست پیدا کرده‌اند. در نتیجه این تغییر نگرش‌ها، ازدواج از امری مادی به «امری فرامادی» تبدیل شده است. امروز دختران مجرد، ازدواج را نه به عنوان مرحله‌ای همچون سایر مراحل زندگی، که مساله‌ای بسیار مهم تلقی می‌کنند که نیازمند تامل، توجه و احتیاط زیادی است.

■ **نقش پررنگ تحصیلات و اشتغال زنان در بین عوامل مؤثر بر تأخیر در ازدواج**

به نظر می‌رسد مدرنیته، تأثیر عمده خود را در قالب گرایش به ادامه تحصیل و اشتغال بر دختران ایرانی گذاشته است. در بسیاری از پژوهش‌های داخلی، تحصیلات به‌عنوان عاملی اساسی در افزایش سن ازدواج دختران عنوان شده است. در حال حاضر بیش از ۶۰درصد دانشجویان مراکز عالی را زنان تشکیل می‌دهند. ادامه تحصیل در مقاطع بالا، در زنان باعث

افزایش استقلال فکری و آزادی از نظرات و کنترل خانواده و والدین می‌شود. به این ترتیب از ازدواج سنتی به سمت ازدواج خودانتخابی مایل می‌شوند. از طرفی، بالا بودن سطح تحصیلات نزد دختران تحصیلکرده و والدین‌شان، نوعی امتیاز قلمداد می‌شود. این پنداشت سبب به تعویق انداختن ازدواج با هدف رسیدن به گزینه‌های ایده‌آل‌تر می‌شود. پرواض است زنان شغال نیز با دست یافتن به استقلال مالی، دیرتر به فکر ازدواج می‌افتند.

نکنه قابل تامل دیگر درباره تحصیلات و اشتغال، پایین بودن درصد اشتغال زنان است. به این معنا، تعداد زیادی از زنان تحصیلکرده دانشگاهی که تن به ازدواج نداده‌اند، پس از فارغ‌التحصیلی موفق به پیدا کردن شغل نمی‌شوند. این موضوع موجب یاس، سرخوردگی و ناکامی این قشر از زنان تحصیلکرده مجرد می‌شود.

در نهایت می‌توان گفت بسیاری از دخترانی که دچار تأخیر در ازدواج می‌شوند، بر این باورند که هزینه‌های ازدواج بیش از فایده‌های آن است. به این معنا که ازدواج موجب سلب فرصت‌های دیگر از جمله ادامه تحصیل در مقاطع بالا و اشتغال می‌شود.

■ **پیامدهای تأخیر در ازدواج**

افزایش سن ازدواج اگرچه پیامدهای به‌ظاهر مثبتی همچون آمادگی اقتصادی و روانی و پختگی بیشتر دارد، به نوبه خود منجر به ایجاد پیامدهای منفی اجتماعی می‌شود. «ز یک سو افزایش فاصله بین سن بلوغ و سن ازدواج، برآورده نشدن نیازهای جنسی را به همراه دارد؛ که ممکن است به گسترش الگوهای جدید روابط بین دختران و پسران منجر شود. از طرفی با افزایش سن، عموماً از جنبه‌های احساسی و عاطفی افراد کاسته شده و جنبه‌های عقلانی به معنای محاسبه‌گرانه، شدت می‌یابد. این امر باعث افزایش برخی توقعات شده و فرآیند انتخاب همسر را دشوارتر می‌کند. از طرفی با افزایش سن شخصیت فرد هرچه بیشتر قوام یافته و انعطاف‌پذیری، که

لازمه سازش زن و شوهر است کاهش می‌یابد. علاوه بر این افزایش سن ازدواج باعث افزایش اختلاف سنی بین بچه‌ها و والدین می‌شود که یکی از پیامدهای

افزایش سن ازدواج، تأخیر در ازدواج سبب بروز اختلالات روانی از جمله افسردگی، وسواس و بیماری‌های مربوط به استرس بویژه در زنان می‌شود. «فرد مجرد سه برابر بیشتر از افراد متاهل دچار بیماری افسردگی می‌شوند».<sup>(۵)</sup> ازدواج نوعی جنبه حمایتی دارد و به دلیل تعهداتی که در فرد ایجاد می‌کند، موجب افزایش انسجام اجتماعی می‌شود. به همین ترتیب احتمال خودکشی یک فرد متاهل بسیار کمتر از فرد مجرد است.

■ **آیا خانواده ایرانی رو به اضمحلال است؟**
خانواده ایرانی در مواجهه با مدرنیته و جهانی شدن، به نوبه خود دچار تغییراتی شده و نسبت به گذشته تفاوت‌هایی را تجربه کرده است. از جمله تغییر الگوها و ملاک‌های انتخاب همسر، رواج روابط خارج از چارچوب خانواده و تأخیر سن ازدواج که در این مقاله، تا حدودی مورد بررسی قرار گرفت. «زاد ارمکی» معتقد است اگر معیارها و صفات مطلوب زن را در جامعه امروز به ۳ دسته ارزش‌های سنتی(همسر و مادر خوبی بودن)، ارزش‌های مذهبی(مذهبی بودن و حجاب) و ارزش‌های جدید یا مدرن (تحصیلکرده بودن و اشتغال بیرون از خانه) تقسیم کنیم، مورد سوم از اهمیت بیشتری در بین جوانان برخوردار است.

به‌رغم این تغییرها و تفاوت‌ها، خانواده ایرانی هنوز بسیاری از جنبه‌های سنتی خود را حفظ کرده است. ازدواج و تشکیل خانواده هنوز برای بسیاری از افراد جامعه از اولویت و اهمیت بسیاری برخوردار است و اکثریت افراد با روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج مخالفند. اما در هر صورت تغییراتی که به وجود آمده‌اند در صورت تداوم، خانواده ایرانی را با چالش‌های زیادی مواجه خواهند کرد.

«**دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهراء(س)**

منابع:

۱- جنادله، علی و رهنما، مریم(۱۳۹۲).دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی(تحلیل داده‌های ثانویه ملی) فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال دهم، شماره ۳۹، ص۲۷۷

۲- سگالن، مارتین(۱۳۷۰).جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، نشر مرکز، چاپ اول، ص ۱۲۸

۳- حبیب‌پورگتایی، کرم و غفاری، غلامرضا(۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران زن در توسعه و سیاست(پژوهش زنان)، دوره۹، شماره۱۰، ص ۸

۴- همان، صص ۳۱- ۲۸

۵- جنادله و رهنما، ص ۲۹۰

۶- همان، ص ۲۹۱

۷- حسنی، محمدرضا(۱۳۹۲). بررسی آثار و پیامدهای رشد سریع جمعیت بر «مضیقه ازدواج» و تجرد دختران. معرفت، شماره بیست و سوم، شماره ۱۸۹، ص ۱۲۱

۸- همن صص ۲۹۱

۹- جنادله و رهنما، ص ۲۹۲

**اشاره**

**طرح ۲فوریتی برای قانونی کردن ازدواج شاه و فوزیه!**

از جمله دغدغه‌های رضاشاه در سال‌های پایانی حکومتش گزینش همسر برای ولیعهد ایران بود. او برای حل این مشکل بسیاری از افراد را مورد مطالعه قرار داد. ولی اصرار وی بر اینکه وصلت باید با خانواده‌ای پرجاه و جلال صورت پذیرد، دایره گزینش همسر را تنگ ساخته بود.

احمد راه، وزیرمختار ایران در قاهره که از معتمدان رضاشاه بود به وی پیشنهاد کرد با خاندان سلطنتی ملک فاروق در مصر وصلت کند. او گزارشی از خواهران ملک فاروق، پادشاه مصر را به انضمام تصویری از فوزیه برای رضاشاه فرستاد که مورد پسند وی واقع شد. وزیرمختار ایران در قاهره با رازینه‌های خود توانست نظر مساعد ملک فاروق را کسب کند و بدین‌ترتیب زمینه وصلت را فراهم سازد. علاقه رضاشاه به فوزیه چنان شد که وی بی‌اعتنا به مصوبه قانون اساسی دستور داد ماده قانونی مربوط به‌گونه‌ای تغییر کند که ازدواج محمدرضا با یک دختر غیرایرانی با مشکل مواجه نشود. مجلس شورای ملی نیز بلافاصله با تصویب یک طرح پیشنهادهی، به فوزیه به‌ملیت ایرانی بخشید و مشکل قانونی در مسیر ازدواج وی با محمدرضا را از میان برداشت. موضوع ازدواج در پنجم خرداد آن سال که درپارهای ۲ کشور طی اعلامیه‌ای خبر برگزاری قریب‌الوقوع مراسم ازدواج این دو نفر را منتشر کردند فاش شد. این اعلامیه ۳ سال پس از شروع پادشاهی فاروق و ۳ سال قبل از شروع پادشاهی محمدرضا پهلوی انتشار یافت. با این حال مراسم ازدواج، عملاً در اسفند ۱۳۱۷ در قاهره و سپس در تهران برگزار شد. هر دو حکومت مصر و ایران تحت سلطه و نفوذ بریتانیا بودند و برخی صاحب‌نظران معتقدند ازدواج محمدرضا پهلوی و فوزیه اقدامی سیاسی بود که با تشویق و اصرار انگلیسی‌ها صورت پذیرفت.

ارتشبد فردوست در این زمینه می‌نویسد: ازدواج شاه با فوزیه یکی- دو روزه مطرح شد و احتمالاً شاید برای خود رضاخان هم طرف یکی- دو هفته پیش از آن طرح شده بود و این امر جنبه دیکته‌شدن مساله از سوی انگلیسی‌ها را نشان می‌داد. تصمیم قطعی شد هیاتی به ریاست محمود جم (مدیرالعلک، پدر ارتشبد باننشسته فریدون جم) که در آن زمان سمت رئیس دربار را داشت، به قاهره رفتند و پس از ۱۵-۱۰ روز تشریفات مراجعه کردند و موافقت ملک فاروق را اعلام داشتند. فاروق هم از طریق انگلیسی‌ها قبلاً در جریان قرار گرفته بود، اگرنه برایش عجیب بود که چرا خواهرش باید با ولیعهد ایران ازدواج کند؟! به هر حال این هیات جنبه تشریفاتی داشت و مساله قبلاً حل شده بود. سیدهدای خسروشاهی، رئیس دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در قاهره نیز ازدواج فوزیه و شاه را ناشی از اراده انگللیس و در جهت مصالح استعماری آن کشور می‌داند.

وی می‌نویسد: با هدایت و تشویق انگلیس -به خاطر مصالح خاص و استعماری آن کشور- میان ۲ خانواده سلطنتی ایران و مصر پیوند زناشویی ایجاد شد و ولیعهد ایران با خواهر فاروق پادشاه مصر ازدواج کرد. این ازدواج سیاسی به مناسبات ۲ کشور نیز گسترش بخشید. محمدرضا پهلوی، ولیعهد، روز ۵ اسفند برای شرکت در مراسم عقد تهران را به قصد قاهره ترک کرد. در آن زمان خط هوایی مسافری در ایران وجود نداشت. به همین دلیل محمدرضا و همراهان با اتومبیل و از طریق کرج، قزوین، همدان و کرمانشاه وارد عراق شدند و از طریق خط آهن خائقین عازم بغداد شدند. آنان شامگاه هفتم اسفند به بغداد رسیدند و در قصر الزهور متعلق به ملک فیصل پادشاه عراق اقامت گزیدند. روز ۹ اسفند از بغداد رهسپار دمشق شدند و روز دهم به سوی بیروت به راه افتادند. سپس با کشتی، سواحل این شهر را به مقصد مصر ترک کردند. کشتی در ۱۲ اسفند به بندر اسکندریه رسید و محمدرضا و همراهان با قطار به سوی قاهره به راه افتادند. روز ۲۴ اسفند، فوزیه و محمدرضا طی تشریفاتی در قصر عابدين مصر به عقد یکدیگر در آمدند و در بهار سال بعد همراه با خانواده فوزیه از جمله مادر و ۳ خواهرش از بندر پورت سعید به سوی بندر ایران به راه افتادند. کشتی ۲۴ فروردین ۱۳۱۸ در بندر شامپور پهلو گرفت و هیأت مصری و ایرانی از طریق اهواز با قطار به تهران منتقل شدند. تشریفات عروسی در تهران نیز در کاخ گلستان انجام شد.

بدین‌ترتیب مراسم جشن قاهره بدون حضور رضاشاه و مراسم جشن تهران بدون حضور ملک فاروق برگزار شد. رضاشاه آنقدر از ازدواج صورت گرفته خشنود بود که به محمود جم، رئیس دربار که با سفر خود به قاهره زمینه این وصلت را به وجود آورده بود، نشان درجه اول تاج داد و دختر خود «شمس پهلوی» را به عقد پسر وی، فریدون جم درآورد. فریدون نیز به‌رغم میل باطنی خود چاره‌ای جز قبول این پیشنهاد نداشت.